

## طورسون بیگ

## طغرای مشهدی

ملا طغرای مشهدی. به جهت نثر متکلفانه‌اش، در میان انشاپردازان عهد شاه‌جهان (حک: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق)، پنجمین پادشاه سلسله تیموریان هند، شهرت داشته است. در اواخر عهد جهانگیر (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق)، چهارمین پادشاه این سلسله، از مشهد وارد هند شد و مدتی در دکن به سر برد و سرانجام در عهد شاه‌جهان با سمت منشی مخصوص به خدمت شاه‌زاده مرادبخش، فرزند شاه‌جهان، درآمد. هنگام حمله شاه‌زاده به بلخ و بدخشان در ۱۰۵۶ ق در رکابش بود و گزارش مفصلی از فتوحات درخشان او در آن دیار به سبکی مصنوع نگاشت. در آخر عمر، کسوت درویشی پوشید و کنج عزلت گزید و در اوایل عهد عالمگیرشاه در کشمیر درگذشت. او در شعر نیز ید طولایی داشته و قصاید بسیاری در مدح شاه‌زاده مرادبخش گفته، ولی عمده شهرتش در نثر است (کنبو، ص ۳۴۰؛ اصغر، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ هاشم‌پور سبحانی، ص ۴۸۵).

## آثار

مرآت الفتوح؛ رسائل طغرا؛ تاج‌المدایح؛ کنز‌المعانی.

## منابع

اصغر، آفتاب (۱۳۶۴). تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران؛ کنبو، محمدصالح (۱۳۸۷ ق). عمل صالح شاه‌جهان‌نامه، به کوشش وحید قریشی، لاهور، بی‌نا؛ هاشم‌پور سبحانی، توفیق (۱۳۷۷). نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

## طورسون بیگ

کاتب، دیوانی تاریخ‌نگار عثمانی در قرن ۹ ق. طورسون بیگ. درباره اصل و تبار او آگاهی چندانی در دست نیست. احتمالاً در دوران جوانی، از پرورش پدرش بهره‌مند بوده است. در فتح استانبول حضور داشت و در سفر نظامی بلغراد شرکت کرد و در نبردهایی که با صربستان صورت گرفت، حضور داشت. در سفر طرابزون در ۸۶۵ ق، به عنوان کاتب دیوان شرکت کرد. بعدها، دفتردار آناتولی و روم‌ایلی شد. او نیز همانند مورخان خلفش، سلانیکلی (سلانیکلی، مصطفی) و مصطفی عالی (عالی، مصطفی بن احمد)، در امور استیفا و دقت‌داری تخصص داشت. ۴۰ سال از زندگی او به کار در مناصبی هم‌چون کاتبی دیوان،

مؤلف و گاهی از دیگران دیده می‌شود؛ از آن جمله است قصیده تقریباً مطول یحیی بن اعقب. این قصیده خروج ترکان و ظهور فتنه چنگیز خان و ظهور ترک چین را بیان داشته و از اول حال ایشان تا وقت فتنای آن جماعت جمله را بیان کرده است. اشعار فارسی نیش‌تر به صورت رباعی در همه جای کتاب پراکنده است، به‌ویژه در جلد دوم که اغلب سروده مؤلف‌اند (حمیدی، ص ۲۱۲؛ مثلاً ← منهاج سراج، ج ۲، ص ۲۱۹، ۲۲۰).

## ذیل‌ها و تتمه‌ها

ضیاء‌الدین برنی (برنی، ضیاء‌الدین) تاریخ فیروزشاهی را در تکمیل سلسله حوادث طبقات ناصری نوشته و خواسته آنچه را پس از مولانا منهاج سراج روی داده بنویسد. هم‌چنین عین‌الدین بیجاپوری (۷۰۶-۷۹۵ ق) بر طبقات ناصری ملحقات نوشته است (حیبی، تعلیقات بر طبقات ناصری، ج ۲، ص ۲۶۴).

## چاپ‌ها

این کتاب در ۱۸۶۴، به همت انجمن آسیایی بنگال، در کلکته چاپ شد (حیبی، همان، ص ۲۲۴). آنگاه عبدالحی حیبی، دانشمند و ادیب افغان، تصحیح فاضلانهای از این اثر انجام داد که جلد اول آن، در ۱۳۶۸ ق، در کابل و جلد دوم آن، در ۱۳۷۲ ق، در لاهور چاپ سنگی شد. همین متن در تهران در انتشارات دنیای کتاب حروف‌چینی و چاپ شده است. منتخبی از طبقات ناصری هم، به همت وزارت فرهنگ، در تهران منتشر شده است (صدری افشار، ص ۶۳).

## منابع

حیبی، عبدالحی (تعلیقات بر طبقات ناصری) ← منهاج سراج (۱۳۶۳)؛ حمیدی، جعفر (۱۳۷۲). تاریخ‌نگاران، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوس، ج ۳، بخش ۲؛ صدری افشار، غلامحسین (۱۳۴۵). تاریخ در ایران، شرح احوال و معرفی آثار مورخان و جغرافی‌دانان ایران، تهران، ابن سینا؛ منهاج سراج، عثمان بن محمد (۱۳۶۲). طبقات ناصری، به تصحیح عبدالحی حیبی، تهران، دنیای کتاب، ج ۱-۲.

## طغرای مشهدی

(- کشمیر ۱۰۷۸ ق). منشی، تاریخ‌نگار شیعه‌مذهب ایرانی در شبه‌قاره هند.

## تاریخ ابراهیمی ← تاریخ همایونی

## تاریخ ابوالفتح

پاریس به چاپ رساند. دفترهای ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۰ را نیز شرف‌الدین توران تصحیح انتقادی کرده و در سال‌های ۱۹۵۷، ۱۹۷۰، ۱۹۸۳ و ۱۹۹۱ م در آنکارا، از سوی بنیاد تاریخ ترک چاپ کرده است. جلد چهارم نیز به دست کوئیچی ایمازوا تصحیح، و از سوی بنیاد تاریخ ترک در سال ۲۰۰۰ منتشر شد (همان‌جا؛ Özcan, p 187).

## منابع

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۰۲ ق). کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، بی‌جا، دارالفکر، ج ۱؛ شتن، رمضان (۱۳۹۱). «مورخان عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام؛ مناز، ویکور ال. (۱۳۹۱). «آغاز تاریخ‌نگاری عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

Özcan, Abdülqadir (1988). "Historiography in the Reign of Süleyman the Magnificent", *The Ottoman Empire in the Reign of Süleyman the Magnificent II*, The Historical Research Foundation, Istanbul Research Center; Öztürk, Necdet (1999). "Osmanlılarda Tarih Yazıcılığı Üzerine", *Osmanlı Yeni Türkiye Yayınları*, Cild VIII, Ankara, p. 257-261.

## تاریخ ابراهیمی ← تاریخ همایونی

## تاریخ ابوالفتح

تاریخ‌نامه فتوحات سلطان محمد فاتح، اثر طورسون بیگ<sup>۳</sup>

## کلیات

اساس مباحث این کتاب که یک اثر مهم تاریخی است، فتوحات سلطان محمد فاتح است؛ اما چون کتاب در دوران بایزید دوم به نگارش درآمده، در آن به احوال این سلطان نیز پرداخته شده است. نویسنده، بر خلاف آثار مردم‌پسند سه مورخ هم‌عصر خود، یعنی عاشق پاشازاده، نشری (نشری، محمد<sup>۴</sup>) و اوروج بن عادل<sup>۵</sup> که به زبان ساده و روان نوشته‌اند، با نثری مغلق و متکلف که تا حد زیادی متأثر از لغات فارسی و عربی است، اقدام به نگارش تاریخ ابوالفتح کرده است. کتاب آکنده از اشعار عربی، ترکی و فارسی و عربی است که بلافاصله با کلمه «یعنی» به ترکی روشن برگردانده است. با توجه به این ویژگی‌ها، می‌توان گفت که اثر طورسون بیگ با تواریخ آل عثمان<sup>۶</sup> پاشازاده (ابن کمال پاشازاده، احمد بن

وقایع مرتبط با هم دانسته، عرصه و چشم‌انداز کاملاً جدیدی در تاریخ‌نگاری عثمانی گشوده است. او پیش از آن که به علل شکل‌گیری جنگ‌ها توجه کند و خواننده را متوجه رویدادهای قبلی که به پیدایش شرایط جنگی انجامیده، ارجاع دهد و بعداً به توصیف آن‌ها بپردازد، تا حد بسیار به یافتن علل و اسباب رویدادها علاقه و اشتیاق نشان می‌دهد. کمال پاشازاده از این که مانند پیش‌تر اسلاف خود، قدرت‌های مسیحی را یک‌جا «کفار ملعون» خطاب کند، راضی و خشنود نیست، بلکه هر نبرد جدیدی را با توصیف کوتاهی از سرزمینی که صحنه کارزار بوده، معرفی می‌کند. او این ویژگی را از تاریخ ابوالفتح<sup>۷</sup> اثر طورسون بیگ<sup>۸</sup> وام گرفته است. در کل، کمال پاشازاده از آن دسته دولتمردان مورخی است که می‌کوشیدند تا در وقایع، الگو و قاعده‌ای بیابند و راهنما و سرمشقی برای سیاست آینده طراحی کنند (همان‌جا).

این کتاب از چنان قوت و استحکامی برخوردار است که در دوره‌های بعد، سرمشق مورخان سلف وی قرار گرفت (Öztürk, p 259).

کتاب دهم تاریخ آل عثمان به نام‌های مختلفی، از جمله مهاج‌نامه، تاریخ انکروس، فتح‌نامه، غزوات‌نامه سلطان سلیمان، ظفرنامه سلطان سلیمان، سلیمان‌نامه خوانده شده است و در حقیقت، کتاب مستقلی است. ابن کمال در این کتاب به لشکرکشی‌های سلطان سلیمان از ابتدای سلطنت او پرداخته؛ از این رو، اثری دست اول را پدید آورده که خود شاهد و ناظر وقایع آن بوده است. با این حال، این اثر فقط ۷ سال نخست سلطنت سلیمان را شامل می‌شود، زیرا ابن کمال احتمالاً به سبب اشتغالات زیاد، از جمله تصدی منصب شیخ‌الاسلامی، نتوانسته ادامه وقایع دوران زمام‌داری سلطان سلیمان را در کتابش بنگارد (Özcan, p 186).

## نسخه‌شناسی ترجمه‌ها و چاپ‌ها

نسخه‌های خطی متعددی از آن تا به امروز باقی مانده است (شتن، ص ۲۸۲). بخش‌های مربوط به میدان نبرد محاج و پیامدهای آن را ام. پاورت دو کورتیله به زبان فرانسه ترجمه کرد و همراه با متن اصلی در ۱۸۵۹ م در

Constantinople 1453: Des Byzantins aux Ottomans Textes et

Documents, par Vincent Déroche, Nicolas Vatin, Toulouse: Anacharsis, 2016. s. 187-232.  
İSAM DN- 262 853

Dursun Bey  
040646

TURSUN BEY

*Tarih-i Ebu-l-feth*<sup>1</sup>

traduction: N. Vatin.

*Introduction*

Mevlana Tursun Bey bin Hamza Bey appartenait à une famille de haut rang. Son grand-père Firuz avait été bey d'Ankara et d'Antalya sous Bayezid I<sup>er</sup>. Son père Hamza Bey, gouverneur du Teke-eli en 1423, *beylerbeyi*\* d'Anatolie en 1424 ou 1425, avait remporté de brillantes victoires pour le compte de Mehmed I<sup>er</sup>. Installé à Bursa, il y était un personnage considérable. Cübbe Ali, oncle paternel de Tursun, fut longtemps gouverneur de Bursa, au moins de 1444 à 1456, date à laquelle il fut chargé de la garde d'Istanbul, dont il avait assuré le recensement.

Né à Bursa vers 1426, Tursun préféra faire une carrière de bureaucrate plutôt que de militaire. Il fit des études à la madrasa et choisit de travailler à Bursa sous son oncle Cübbe Ali. Secrétaire financier, il s'occupa du recensement des maisons d'Istanbul après la conquête, en 1456-1457. Il fut par la suite chargé de recensements en province à plusieurs reprises. C'est probablement vers cette époque qu'il entra sous le patronage de Mahmud Paşa, sous le grand vizirat de qui il accéda au poste de secrétaire du divan\* (*divan katibi*). Il demeura au service de cet homme d'État jusqu'à la disgrâce et la mort de celui-ci. Les fonctions de Tursun Bey l'amènèrent à être, dans les cercles du pouvoir, le témoin des principaux événements du règne de Mehmed II. À la mort de celui-ci, Tursun prit le parti du prince Cem<sup>2</sup>,

1. Traduction du turc ottoman, introduction et notes de Nicolas Vatin.

2. Cf. İbn Kemâl, *Tevârih-i Âl-i 'Osmân VIII. Defter*, A. Uğur éd., Ankara, 1997, p. 20. À la mort de Mehmed II, le prince Cem fit valoir ses droits au trône contre Bayezid II, qui l'emporta.

02 Kasım 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

B. *Tempo giusto* melodies (*uşüllü türküler*, sometimes referred to as *kırık hawā*, as in Urfa; *oturak* in Konya): Melodies with fixed rhythms, mostly folkdance songs (*oyun hawāları*) of various types such as *zeybek* (Aegean region), *horon* (Black Sea region), *şikilim* (Harput), etc.

There are certain correspondences between melody and form, such as the fact that almost only *uzun hawā* melodies are used for hendecasyllabic lyrics, whilst heptasyllabic lyrics are always sung to *kırık hawā* melodies (and octosyllabic lyrics use both). Of the various musical instruments that may be used to accompany *türkü*s, the lute, *baghlama*, is the instrument of preference for the *uzun hawā*.

III. The *türkü* genre encompasses all fields of common interest with the exception of religion (popular religious songs being referred to as *ilāhī*, *kaşide*, etc.). Thematically-defined subdivisions with special names are, e.g. *ninni* (lullaby), *taşlama* (satirical song), *düğün türküsü* (wedding song), *aghit* (mourning song), etc. Through adaptations to changing circumstances, some of the most popular *türkü*s exist in many variants.

IV. The language of the *türkü*s is generally popular Turkish, thus remarkably free of Arabic and Persian loanwords, and exhibits characteristics of the vernacular such as elision, apocope, contraction, etc., as well as dialectal traits and expressions. The diction is rich in stereotyped metaphors and symbolic images, the style strongly expressive. That the musical element is especially important is shown by the frequent inclusion of unessential words and interjections such as *aman*, *yâr*, *bir dânem* to allow for melodic expansions, making the lyric more expressive at the same time.

*Bibliography*: For publications up to 1959, see P.N. Boratav, *La poésie folklorique*, in *PTF*, ii, Wiesbaden 1964, 90-106, 125-6; T. Kowalski, in *EI* s.v.; O. Acıpayamlı, *Türkiye folklorunda türküler bibliyografyası*, in *Antropoloji*, i/2 (1964), 105-12; V. Arseven, *Açıklamalı Türk halk müziği kitap ve makaleler bibliyografyası*, Istanbul 1969; H. Dizdaroğlu, *Halk şürinde türler*, Ankara 1969. For more recent publications and collections of texts, see A.O. Öztürk, *Das türkische Volkslied als sprachliches Kunstwerk*, Bern 1994; Millî Folklor Enstitüsü, *Türk folklor ve etnografya bibliyografyası*, i-iii, Ankara 1971-5; M. Özbek, *Folklor ve türkülerimiz*, Istanbul 1975; K. and U. Reinhard, *Musik der Türkei*, ii. *Die Volksmusik*, Darmstadt 1984 (musico-logical bibliography); M. Bayrak, *Eşkiyalık ve eşkiya türküleri*, Ankara 1985; A.Ş. Esen, *Anadolu türküleri*, ed. P.N. Boratav and F. Özdemir, Ankara 1986; N. Birinci, in *IA* s.v.; N. Gözaydın, *Anonim halk şüri üzerine ...*, in *Türk Dili*, lvii (1989), 1-104; S. Ziegler, *Gattungsprobleme türkischer Volkslieder*, in *Probleme der Volksmusikforschung*, Bern 1990.

(EDITH G. AMBROS)

**TURS** [see RANK; SILĀH, in Suppl.].

**TURSHĪZ** (vars. *Ṭurshīsh*, *Ṭurthīth*, *Ṭuraythīth*), a town of the mediaeval region of Bushṭ of Kūhistān [q.v.] in northeastern Persia. It lay to the southwest of Nīshāpūr. Its site was probably to the west of the present town of Kashmar.

The 4th/10th century geographers describe it as a flourishing town, and al-Muḳaddasī, 318, says that its Friday mosque recalled that of Damascus in its splendour, and that it was "the emporium of Fārs and Iṣfahān and the storehouse of Khurasan". At the end of the 5th/11th century, with Tūn [q.v.] and other places it became one of the centres for Ismā'īlism in Kūhistān. It accordingly attracted punitive expeditions by the Saldjūq sultans, and counter-raids by the Ismā'īlīs, who in 498/1104-5 penetrated from Ṭurshīz as far as al-Rayy (Ibn al-Aṭhīr, ed. Beirut, x, 392-3).

It was destroyed in 530/1136; its hereditary governor at that time was al-'Amīd Maṣṣūr (or Maṣ'ūd) b. Maṣṣūr; an enemy to the Bāṭiniyya or Ismā'īlīs. He summoned the Turks to aid him to defend his lands, but the latter behaved with their usual greed so that, not being able to continue the struggle, he submitted to the Ismā'īlīs. His son 'Alā' al-Dīn Maḥmūd recognised the suzerainty of the 'Abbāsīd caliphs in 545/1150; but receiving no support from them, he fled to Nīshāpūr and the Ismā'īlīs established their authority in this region. In 596/1200 the army of the Kh'ārazm Shāh Tekīsh attacked Ṭurshīz; the siege was cut short by the Shāh's death, but the town eventually agreed to pay tribute of over 100,000 dīnārs (Djuwaynī-Boyle, i, 314-15).

The town was besieged and taken by Tīmūr (784/1382); it was regarded as impregnable on account of its deep moat and high walls, but the water of the moat was pumped out and a mine made a breach in the wall. The garrison was spared and served in Turkestan under the conqueror. Here Tīmūr received an embassy from Shāh Shudjā', the Muẓaffarid ruler of Fārs, from whom he asked a daughter in marriage for his grandson Pīr Muḥammad. During the campaign of the Kādjar 'Abbās Mīrzā against Harāt, Ṭurshīz was taken by Khusrav Mīrzā in 1248/1832.

Celebrated natives were the poets Kātibī of Nīshāpūr, born in a village in the vicinity, Ahlī (d. 934/1527-8) and Zuhūrī (d. 1024/1615). In the vicinity was the village of Kashmar where, according to tradition, Zoroaster planted a cypress tree which became famous and was ordered to be destroyed by the caliph al-Mutawakkil (Firdawsī, *Shāh-nāma*, ed. Turner Macan, 1068, 6, ed. and tr. J. Mohl, iv, 364; Fr. Spiegel, *Ērān. Alterthumskunde*, i, 54 n. 2, 703; Mustawfī, *Nuzha*, 143, tr. 141-2).

*Bibliography*: See also *Hudūd al-'ālam*, tr. Minor-sky, 103; Rashīd al-Dīn, ed. and tr. Quatremère, *Hist. des Mongols*, i, 177; Le Strange, *The lands of the Eastern Caliphate*, 354-5; Browne, *LHP*, iii, 186, 487-8, iv, 233-4, 253.

(C.L. HUART-[C.E. BOSWORTH])

√ **TURSÜN BEG**, 9th/15th-century Ottoman historian.

What little is known about Tursün Beg derives mainly from incidental references in his *History*. He was born probably in Bursa in the mid-1420s, to an already prominent *ümera'* family. His uncle Djübbe 'Alī had served as governor in Bursa, and his grandfather Firüz Beg in Iznik. Tursün Beg was, while relatively young, the holder of a *tīmār* [q.v.], probably inherited from his father Ḥamza Beg (cf. Tursun Bey, *Tārīh-i Ebū'l-feth*, ed. M. Tulum, Istanbul 1977, pp. xi-xii; H. İnalçık and R. Murphey, *The history of Mehmed the Conqueror by Tursun Beg*, Chicago 1978, 11). He was present at the siege of Istanbul in 1453 and was subsequently employed as secretary on several survey tasks. Promoted to *diwān kâtibi* by 865/1461, he acquired an intimate knowledge of government affairs and participated in most major military campaigns of Meḥammed II's [q.v.] reign, especially those involving his principal patron, the Grand Vizier Maḥmūd Paşa (d. 879/1474 [q.v.]). A specialist in the financial bureaucracy, Tursün Beg may have risen to the post of *defterdār* [q.v.] of Anatolia. He retired sometime after 885/1480 and settled in Bursa. His date of death is unknown, but it was certainly after 896/1491 (İnalçık and Murphey, *op. cit.*, 16).

Tursün Beg wrote poetry under the *makhlas* Lebībī, but is best known as an historian and prose stylist. His only known work, the *Tārīh-i Ebū'l-feth* ("History

20 EYLÜL 2000

of [Meĥammed] the Conqueror", is a detailed and authoritative history of the campaigns of the reign (1451-81), continuing up to ca. 893/1488 in the reign of Bâyezîd II, to whom the work was dedicated. Although rarely referred to by later Ottoman historians, TÛrsun Beg's *History* is significant, first as an insider's account of events of the later 15th century, and second for its substantial preface on the nature of Islamic-Ottoman statecraft, clearly stimulated by the political controversies of Meĥammed II's reign. An edition was first published in 1330/1912 by Meĥmed 'Ârif (Suppl. to *TOEM*), a modern critical edition in 1977 (see above) and a facsimile with English summary translation in 1978 by İnalçık and Murphey, see above.

*Bibliography*: See also *IA* art. s.v. (M.C. Şehabeddîn Tekindaĝ); İnalçık, *Tursun Beg, historian of Mehmed the Conqueror's time*, in *WZKM*, lxi (1979), 55-72. (CHRISTINE WOODHEAD)

**TÛRSUN FAĶÎH**, a figure, possibly legendary, whom Ottoman tradition credits with having performed in Ķara Hişâr/Ķaradja Hişâr, the first Friday Prayer in the name of the first Ottoman ruler, 'Othmân I [q.v.]. The late-15th century Anonymous Chronicles and the Chronicle of Uruĝj are the first sources to record this story. They provide no more than a bare statement that TÛrsun FaĶih was the first to perform the Friday Prayer in 'Othmân's name, with some versions adding that he also performed the Festival Prayer (*bayram namâzî*) in the same town (F. Giese, *Die altosmanischen anonymen Chroniken*, Breslau 1922, 6). Some redactors also add a date to the event, sc. 687/1288 (Uruĝj b. 'Âdil, ed. F. Babinger, *Tewârîkh-i âl-i 'Othmân*, Hanover 1925, 12; F. Giese, *loc. cit.*) or 689/1290 (Uruĝj, *op. cit.*, 86), which presumably they derived from 15th-century Ottoman chronological lists (for which, see V.L. Ménage, *Neshrî's history of the Ottomans*, London 1964, 14-19).

Since, in Ottoman tradition, the performance of the Friday Prayer in Ķaradja Hişâr was a pivotal moment, marking the beginning of Ottoman political independence, TÛrsun FaĶih became an important figure in Ottoman historiography, with successive writers adding "biographical" details to the bald statements in Uruĝj and the Anonymous Chronicles. 'Ashîkpaşazâde [q.v.] (*Tewârîkh-i âl-i 'Othmân*, ed. Atsız, in *Osmanlı tarihleri*, Istanbul 1949, 103), writing in ca. 889/1484, adds that he acted as "imâm to the people", and that 'Othmân made him both *khatîb* and *kādî* in Ķaradja Hişâr. Neshrî, in 890/1485, repeated 'Ashîkpaşazâde in making him "imâm to the people", omitted the detail that 'Othmân appointed him *kādî*, but made the significant addition that he was an "intimate friend" (*âshinâ*) of the holy dervish Edebalî (F. Taeschner (ed.), *Gühannümâ. Die altosmanische Chronik des Mevlana Meĥmed Nesĥrî*, Leipzig 1951, 33), who in Ottoman tradition was father-in-law of 'Othmân I. In the early 10th/16th century, Kemâlpaşazâde [q.v.] elaborated on this detail, making TÛrsun FaĶih a saint (*azîz*) and "guide to pious men", who "met and consulted with Edebalî" on the question of the Friday Prayer (İbn-i Kemal, ed. Ş. Turan, *Tevârih-i al-i Osman*, i, Ankara 1970, 111-12).

In the mid-10th/16th century, Taşköprüzâde (*al-Shakâ'îk al-nu'mâniyya fî 'ulamâ' al-dawla al-'uthmâniyya*, Beirut 1975, 7) elaborated on the Edebalî motif, stating that TÛrsun FaĶih was Edebalî's "relative by marriage" (*khatan*). This detail is important, since it linked TÛrsun FaĶih through marriage to 'Othmân I. Taşköprüzâde continues by stating that, like Edebalî,

TÛrsun FaĶih came from Ķaramân [q.v.]: that he studied *tafsîr*, *hadîth* and *uşûl* with Edebalî, who also maintained his pupil, and that after Edebalî's death. TÛrsun FaĶih succeeded him as *muffî*, and in "regulating the affairs of the Sultanate and in teaching the *shar'î* sciences". Taşköprüzâde's 17th century translator and adaptor, Meĝdî (*Terdjüme-yi Shakâ'îk*, Istanbul, 1269/1853) rendered the imprecise *khatan* ("relative by marriage") with *dâmâd* ("son-in-law"). Meĝdî also provides a slight variation on the original version of the TÛrsun FaĶih story in the Anonymous Chronicles, by making him perform the first Festival Prayer, not in Ķaradja Hişâr, but in Eskişehir [q.v.].

It is above all the materials in Taşköprüzâde and Meĝdî which have provided the materials for modern historians (see e.g. Babinger's *ET* art. s.v.), who often add imaginative details of their own.

*Bibliography*: Given in the article.

(C. IMBER)

**TÛRÛSHA**, currently TORTOSA, a town situated on the Ebro in Spain, close to the estuary of this river on the Mediterranean, in the province of Tarragona in Catalonia (Spain), with today approximately 30,000 inhabitants, on the ancient Iberian site of Dertosa, where the Romans established their colony of Julia Augusta. Arab geographers refer occasionally to this "town" (*madîna*), noting its location in the eastern sector of the "Upper March" of al-Andalus (*al-thaghîr al-a'lâ*), of which the regional centre (*hâdira*) Saraĝusta (Saragossa) was "120 miles" from Tortosa (according to al-'Udhîrî); however, the various relations—in particular administrative dependence—between these two towns were not constant, given the fact of the stronger "vertical" association between points on this eastern seaboard of al-Andalus, and especially between Tortosa and Valencia (Balansiya), situated some "110 miles" apart (according to al-Idrîsî) or "120 miles... 4 days' march" (according to al-Hîmyarî). The town of Tortosa was the centre of its own *kûra* or jurisdiction (*madînat Turûsha wa-'amaluhâ*, var. *wa-aĳâlimuhâ*), according to Arab sources, and al-Idrîsî mentions several fortresses (*husûn*) in the area in his time: [Alcala of] Chivert, Horta, Tivisa, Morella, Mequinenza, Ulldcona, Llobregat (= Torreblanca?) and Peníscola. Geographers also refer to its antiquity, its robust walls and citadel (*kaşaba*), an open-air oratory, the stone rampart surrounding the open *madîna* with its four gates, suburbs, the great mosque, four baths, bazaars and agricultural hamlets.

Like Tarragona, Tortosa was definitively conquered by the Muslims around the year A.D. 714 and its territory placed under the jurisdiction of Narbonne, as is indicated by Ibn al-Ķûţîyya (*Ifţîlâh*, ed. Madrid 1968, 30), referring to the first years of the amîrate of 'Abd al-Raĥmân I [q.v.]. The latter sent 'Abd al-Raĥmân b. 'Uĳba to govern "the *wilâya* of Narbonne and its territory as far as Tortosa", in territory reduced by Christian conquests, leaving Tortosa, especially after the loss of Barcelona by the Andalusians in 801, as the most important "outlying" town (*kaşîya*, as it is frequently called in the Arabic sources) of this frontier, often attacked by the Christians throughout the 3rd/9th century who even took Tarragona [q.v.] at this time.

This frontier territory oscillated during the Umayyad period between local and centralist political tendencies: on the one hand were the "rebel" Buĥlûl (d. 186/802) who took possession of Saraĝossa and of Tortosa, and the enterprises of two local chiefs of the Upper March (Muĥammad of the Şabrîţ family in 301/913 and Muĥammad b. Lubb of the Banû Ķasî in 316/928),

MADDE YAYINLANMIŞTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

210. Stenhouse, Paul: The kitāb al Tarikh of Abu'l-Fath <sup>TURSUM BEK(?)</sup>  
a new ed. with notes by Paul Stenhouse  
Sydney, Univ. Diss., 1980 I G 2061 MEHMET II (?)

31 MART 1996

1947 İNAN, Kenan. The incorporation of writings on periphery in Ottoman historiography: Tursun Bey's comparison of Mehmed II and Bayezid II. *Ottoman borderlands: issues, personalities and political changes*. Ed. Kemal H. Karpat with Robert W. Zens. Madison: University of Wisconsin Press, 2003, (Publications of the Center of Turkish Studies, 2), pp.105-117.

Tursun Bey

MADDE YAYINLANMIŞTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

08 TEM 2008

1063 VATIN, Nicolas. Tursun Beg assista-t-il au siège de Constantinople en 1453? *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, 91 (2001) pp.317-329.

Tursun Bey

علي رضا قره بلوط , معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات  
إستانبول و أناطولي, الجزء الأول, [y.y.,t.y.] , İSAM 141806

s. 615

1 G HAZ 2006

MADDE YAYINLANMIŞTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

Tursun Bey -  
1907 - طورسون بيك (طورسينا بيك) بن حمزة بيك

بن فيروز بيك الرومي العثماني ، الكاتب الدفتردار المؤرخ  
المنشي المعروف بطورسون بيك لصوفى بعد سنة  
1491/896

( أنظر : محمد طاهر عثمانلي مؤلف لري 83-82/3 ؛  
فهرس سيف الدين أوزاكه 291/2 )  
من تصانيفه :

1- تاريخ أبو الفتح=تاريخ السلطان محمد الفاتح (ت)  
أياصوفيا رقم 3032 ورقة 358 ؛ جامعة إستانبول رقم  
4369 ورقة 256 ؛ أسعد أنسدي رقم 358 ؛ روان  
كوشكي رقم 1097 ، 1098 ، 1470 ؛ طبع في  
إستانبول 1914 ، 1977 ؛

*Ne Kimbat* (1961), *Ayıl Mugalimi* (1967), *Aynımas Dostar* (1971),  
Kay.: KSE 11/191. ⇨ D. DÜYSEBAYEVA

**TUR SUN, Adem** (1953- ): Halk şairi. Gümüşhane'nin Kelkit ilçesi Gerdekhisâr köyünde doğdu. İlkokul mezunu, evli ve üç çocuk babasıdır. Tursunî mahlasını kullanan âşık, geçimini inşaatçılıkla sağladı. 1973'den sonra şiir söylemeye başlayan âşık, 1975'den sonra ise kendi çabasıyla saz çalmayı öğrendi. Ustası ve çırağı olmayan âşığın, 1983 yılında çıkardığı bir kaseti vardı.  
Kay.: YHOA, s.318. ⇨ N. YILDIZ

**TUR SUN Bey** (~1426 -1491 ds.): Tarih yazarı. Asıl adı Tûr-i Sînâ olup bundan bozma Tursun veya Dursun Bey diye anıldı. Prof. H. İncalcık'ın Bursa şer'iyeye sicillerinden çıkardığı kayda göre dedesi Osmanlı kumandanlarından Firûz Bey (öl.1420), babası Anadolu beylerbeylerinden Hamza Beydir. Eserinden alınan bilgilere göre, Bursa Beyi olan amcası Cebe Ali Beyin yanında iyi bir eğitim alarak yetişti. Amcasına verilen fetihten sonraki İstanbul emlakini yazma işini üstlendi, hazırladığı defteri 1456/7'de Fatih Sultan Mehmed'e sundu. Yazıcı olarak yaya ve müselleme tahririni de yaptı. 1456'ta Belgrad seferine katıldı. Oniki yıl Mahmud Paşaya divan kâtipliği yaptı. 1458 Sırbistan, 1462 Eflâk ve Midilli, 1463 ve 1464 Bosna, 1466/7 Arnavutluk, 1470 Eğriboz, 1476 Boğdan, 1478 Arnavutluk seferlerinde bulundu. Kırk yıl kadar devlet hizmetinde bulunduktan sonra Bursa'ya yerleşip amcasının vakıflarının mütevelliliğini yürütürken tarihini yazdı. **Eseri:** *Târih-i Ebü'l-Feth* yazarın gözlemlerine dayalı olarak kaleme aldığı bir eserdir. Fâtih'in saltanat dönemindeki zaferleri anlatmış II. Bayezid devrinin ilk yedi yılındaki askerî faaliyetleri özetlemiştir. Üslûbu, ilk Osmanlı tarihçilerinin dili kadar sade değildir. Bir bakıma Kemalpaşazâde'nin üslûbunu hatırlatır. Eser ilk defa Mehmed Ârif Bey tarafından

*Tarih-i Osmanî Encümeni Mecmuası*'nın eki olarak 1330/1914'te yayımlandı. 1977'de Prof. Mertol Tulum bütün yazmaları karşılaştırarak tenkitli neşrini yaptı. Prof. H. İncalcık, R. Murphey'le birlikte 1978'de Chicago'da İngilizce özet tercümesiyle tıpkıbasımını yayımladı.

Kay.: A. Mertol Tulum, "Dursun Bey", *TDVİA* 10/6-7. ⇨ M. CUNBUR

**TUR SUN Kurban** (1945- ): Doğu Türkistan Uygur-Türk edebiyat araştırmacısı, eleştirci. Kaşgar'da doğdu. 1964'te Şincang (Doğu Türkistan) Üniversitesinden mezun oldu ve aynı bölümde göreve başladı. 1991'de doçentken öğretim üyeliği görevinden alındı ve okul kütüphanesine işçi olarak atandı. 1965'den itibaren edebiyat teorisi araştırmalarına başladı. Şimdiye kadar yetmiş yakın edebiyat tarihi, edebiyat teorisi, edebiyat eleştirisi konularında makale yazdı ve yayımladı. **Eserleri:** Üniversite için ders kitabı hazırladı. 500 sayfalık *Balalar Edebiyatı Nâzâriyâsi* kitabını yayımladı. Ayrıca Uygur Türk folkloruyla ilgili eserler de yazdı.

Kay.: Tursun Kurban, *Balalar Edebiyatı Nâzâriyâsi*, Ürünçi 1986. ⇨ A. B. İLTEBİR

**TUR SUN Muhammet Fahriddin**, bk. FAHRİDDİN, Tursunmuhammet

**TUR SUN Turdi** (1962- ): Doğu Türkistan Uygur-Türk şairi. Aksu vilayetinin Avat nahiyesinde doğdu. 1983'de Kaşgar Eğitim Fakültesinden mezun oldu. Öğretim üyeliği ve katiplik gibi görevlerde çalıştı. Şairin seksenden fazla şiir ve makalesi gazete ve dergilerde yayımlandı.

Kay.: *Tânriyağ* (Tanrıdağ) Dergisi, 5. sayı, 1993. ⇨ A. B. İLTEBİR

**TUR SUN Zerdin** (1937- ): Doğu Türkistan Uygur-Türk şairi ve folklorcusu. Çulca'da doğdu. 1956'da Çulca'da Ahmetcan Kasemî Bilim Yurdundan mezun oldu. *İki Gazetesi*'nde edebî muharrir olarak göreve başladı. İlk şiiri

Sayın Tulum'un neşre hazırladığı iki eserden biri Tursun Bey'in *Tarih-i Ebu'l-Feth* adlı eseridir. Eser önsöz, İki Bölüm, Tursun Bey, Hayatı ve Eseri, Tarih-i Ebül-Feth, Metin, Nüsha farkları, Dizin ve Sözlükten oluşmaktadır.

Sayın Tulum işe, bu eseri daha önce neşreden Mehmed Arif Bey'i mahkûm ederek başlamaktadır:

"Mehmed Arif Bey tarafından eski harflerle yapılan neşir, tarih araştırmacılarınca uzun zaman kullanılmakla birlikte, metnin tesbitinde kullanılan metoden yetersizliği sebebiyle, oldukça ehemmiyetli eksikler ve yanlışlar ihtiva etmektedir. Üstelik bu neşirde müellifin hayatı ve eserin muhtevası üzerinde pek sathi bir şekilde durulmuş..." (s. V)

Mehmed Arif Bey, eserin metnini te'sis ederken üç nüsha kullanmıştır; Revan 1097 ve 1098, Ayasofya 3032.<sup>10</sup> Metne esas olarak Revan 1097'yi almış nüsha farklarını da dipnotta göstermiştir. Ortaya çıkan metin, dönemin baskı imkanları gözönüne alınıp da tashih hataları görülmezse, oldukça sağlam bir metindir. Mehmed Arif Bey'i tek cümleyle mahkûm eden Sayın Tulum, nedense bu mahkûmiyete sebep olan "oldukça ehemmiyetli eksikleri ve yanlışları" gösterme zahmetine girmemiştir.

Diğer taraftan Sayın Tulum *Tarih-i Ebu'l-Feth*' in bugün elimizde beş yazması olduğunu söylemekte ve metin te'sisinde bunlardan dördünü kullandığını belirtmektedir (s. XXVII-XXIX). Önce bugün elimizde eserin beş değil altı nüshası olduğu belirtelim. Altıncı nüsha, yani Viyana nüshası (Flügel 984), bir asırdır bilinmekteydi. Sonra, Mehmed Arif Bey'in metin tesbitini yetersiz bulan Sayın Tulum'un metin te'sisinde hangi yolu izlediğini ve bunu nerede açıkladığını soralım.

Sayın Tulum gördüğü dört nüshayı değerlendirirken şöyle bir tesbitte bulunmaktadır:

"...yazı, imla hususiyetleri ve kağıt cinslerine bakılırsa XV. asırda kopye edildikleri muhakkaktır" (s. XXVIII).

Diğer taraftan şöyle demektedir:

"Tursun Bey'in ölüm tarihi belli değildir. Ancak eserini yazmış olduğu tarih göz önüne alınırsa, bunun 895 (1490) dan sonraki bir tarih olması gerekir" (s.XVIII).

"Tursun Bey eserini 1490-1495 yılları arasında kaleme almıştır diyebiliriz" (s. XXIV).

Buradaki inceliği anlamayı okuyucuya bırakıyoruz. Ancak eserin birden fazla versiyonu olduğu bilindiğine ve Ayasofya nüshasının da kesin olarak ilk versiyon olarak kabul edildiğine göre bütün bu işlemleri birkaç sene içine sığdırmak nasıl mümkün olmuştur. Ayasofya nüshası daha sağlam ancak diğer nüshalar müellifin müteakip yıllarda yaptığı değiştirmeleri ve iyileştirmeleri taşımaları bak-

ımından önemlidirler. Sayın Tulum metin te'sisinde öyle bir yol takip etmeliydi ki biz hem ilk versiyonu hem müteakip gelişmeleri kolayca görebilmeliydik.

Sayın Tulum önsözde "Üstelik bu neşirde müellifin hayatı ve eserin muhtevası üzerinde pek sathi bir şekilde durulmuş..." (s. V) demektedir. Merakımızı tatmin için Mehmed Arif Bey'in müellifle ilgili verdiği bilgileri gözden geçirdik ve sayın Tulum'un yazdıklarıyla karşılaştırdık:

"Müellif isminin 'Tûr-ı Sînâ olduğu halde kendi ifadesince galat-ı meşhur üzere Tursun Beg lakabıyla meşhur olduğu kezâlik dîbâcede beyân etmiştir" (M. Arif s. 2)

"Tursun Bey'in asıl adı, kendi ifadesine göre Tur-ı Sînâdır ve galat olarak Tursun Bey lakabı ile şöhret bulmuştur" (Tulum s. XI)

\*

"Devletin menâsib-ı âliyesinden defterdarlık gibi rütbe-i ref'ayı ihraz ederek erkân-ı devletten bulunmuş olan bu zatın tarihlerde bi'l-münâsebe ismine tesâdüf olunamaz ve teracim-i ahval kitaplarında tercüme-i haline dair kayıt ve malumat bulunamaz...Ma'amafih eserinin mütalaasından tercüme-i haline dair hayli malumat istihsal edilir. Eger tarihinde münasib düşürerek câ-be-câ verdiği malumat olmasa idi ricâl-i sâlifemizden olan bu zatın isminden başka hal ve şanı tamamen mechul kalacak idi". (M. Arif s. 2)

"Tursun Bey'in hayatı hakkında gerek yaşadığı devirde yazılmış olan tarihlerde, gerekse sonraki biyografik ve bibliyografik eserlerde hiçbir bilgi mevcut değildir. Defterdarlık makamına kadar yükselerek devlet erkânı arasında yer almış olan *Tarih-i Ebu'l-Feth* yazarı, bu ihmal ve nisyani sezmişçesine, eserinde kendisi hakkında oldukça zengin bilgiler vermekte, ve bu sayede, hayatı ve kişiliği bir dereceye kadar aydınlığa çıkarmaktadır". (Tulum s. XI)

\*

"...Pederinin ismini beyan etmiyor ise de Bursa beyi Cebe Ali Bey amcası olduğunu söylüyor. Kendisi ashab-ı timardan idi. Genç yaşında timara nâil olmasına bakılırsa pederinin ümerâ veyahud zuamadan olup vefatı üzerine kendisine timar tevcih olunduğu anlaşılıyor." (M. Arif, s. 2)

"...Amcası Cebe Ali Bey Bursa beyi idi; ve kendisi de, o sırada Bursa safasına timarını terk etmiş olarak ' amcasının yanında bulunuyordu. Buradan anlaşıldığına göre, kendisinin timarı vardı ve genç yaşında timar sahibi olmasına bakılırsa babası da timarlı bir sipahi veya ümeradan bir zat idi." (Tulum, s. XI)

\*

"Kendisi silk-i askeriyeye mensub olmağla beraber tahsil-i ulûm ve fûnûn etmiş bir zat idi. Hanedanı yahud ilim ve fazlı cihetleriyle şahsı Hazret-i Fatihce malum idi". (M. Arif, s. 3)

"Tursun Bey, timar sahibi olduğuna göre, aslında askerlik mesleğine mensuptu, yani timarlı sipahi idi; ancak eserinin tetkikinden de anlaşılacağı üzere, ol-

<sup>10</sup> *Tarih-i Ebül-Feth* . İstanbul 1330, s.6



only striking difference, in certain specialists' opinion, was the exemption from *cizye* payment,<sup>124</sup> for inhabitants of the three principalities north of the Danube, the ambiguity between *müste'min* and *zimmi* was stressed by the attribute "intermediary" which generally characterized the *haracgüzar* status. Consequently, the *zimmi* position for the tributary principalities was situated at the limit between the usual status of *zimmi* and that of *müste'min*.

To summarize briefly, in the fifteenth and early sixteenth centuries the Wallachians and Moldavians' condition outside their countries was closer to the status of foreigners (*müste'min*), had beginning with Süleyman Kanunî's reign (1520-1566), the legal position of the Wallachians, Moldavians and Transylvanians grew closer to that of ordinary *zimmis*. As were the other tributaries of Southeastern Europe, the Ragusans,<sup>125</sup> or the inhabitants of the islands Naxos,<sup>126</sup> Chios and Andros,<sup>127</sup> they now were allowed to circulate freely; to be protected in their life, liberty and goods; to inherit the goods of relatives; to pay smaller customs duties; and to buy freely wares prohibited to the *müste'min* merchants.<sup>128</sup>

*Institute of South-East European Studies of the Romanian Academy  
University of Bucharest*

"The English Capitulation of 1580. A Review Article," *International Journal of Middle East Studies* (1980): 378.

<sup>124</sup> Skilliter, pp. 1-2; Tarazi, p. 389.

<sup>125</sup> The *'ahdnâme* of 1575 (Biegman, *Ragusa*, 48-59); *Dubrovnik Ahkâm Defteri*, 1013-1028/1604-1618 (Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), *Düvel-i Ecnebiye Defterleri*, p. 13).

<sup>126</sup> The 1564 and 1565 *'ahdnâmes* which came to establish the status of the Naxos island and of its dependent islands, Santorin and Paros, towards the Porte. See İ.H. Uzunçarşılı, *Osmanlı Tarihi*, vol. 3 (Ankara, 1947-1959), pp. 2, 102-3; Safvet, "Nakşe Dukahğı, Kiklâd Adaları," *Tarih-i Osmanî Encümeni Mecmuası* 4 (1329): 1446-8.

<sup>127</sup> The *'ahdnâme* granted to the Andros island in 946/1539, it was just one piece of a series of "lettres de privilège du sultan" by which the status of the Cycladic islands was regulated in the first half of the sixteenth century. See R. Saulger, *Histoire nouvelle des anciens ducs et autres souverains de l'Archipel* (Paris, 1698), 349-51, cf. B.J. Slot, *Archipelagus Turbatus. Les Cyclades entre colonisation latine et occupation ottomane. c.1500-1718*, vol. 2 (Istanbul, 1982), pp. 76-7.

<sup>128</sup> All these rights in relation to commercial activities characterized in part the *zimmi* status of Ragusan tribute-payers (Biegman, *Ragusa*, 69-73). For more on the subject of this study, in general, see also: Viorel Panaite, *The Ottoman Law of War and Peace. The Ottoman Empire and Tribute Payers* (New York, 2000), pp. 406-45; Viorel Panaite, *Limbajul politico-juridic în Islamul otoman. Dictionar de termeni si expresii. I. Razboiul, pacea, comertul* (Bucureşti, 1998); Viorel Panaite, *Pacea, razboi si comert în Islam. Tarile române si dreptul otoman al popoarelor. Secolele XV-XVII* (Bucuresti, 1997), pp. 395-408; Viorel Panaite, "The Status of the *Kharâj-güzarlar*. A Case Study: Wallachians, Moldavians and Transylvanians in the 15th to 17th Centuries," in *The Great Ottoman-Turkish Civilisation*, vol. 1, ed. Kemal Çiçek (Ankara, 2000), pp. 227-38.

*Edit. Kemal H. Karpat, Robert H. Zens, Ottoman Borderlands:  
Issues, Personalities and Political Changes, Madison 2003*

Kenan İnan

*Tursun Bey*

SAM 148892  
THE INCORPORATION OF WRITINGS ON  
PERIPHERY IN OTTOMAN HISTORIOGRAPHY:  
TURSUN BEY'S COMPARISON OF  
MEHMED II AND BAYEZİD II

Introduction

23 TEM 2007

The Ottomans in the fourteenth century must have had in their palace many learned men who were well acquainted with the protocol, chancery practice, and taxation systems of the Mongol period in Islamic Iran and Anatolia. This was formulated in several Persian manuals. A good example is the famous Persian *Saadetnâme* written around 707/1207 by Alaaddin Tebrizî, showing the governmental and fiscal arrangement of the Ilkhanids, and available in a copy completed in Bursa in 815/1412-13. It is clear from the early date of this guide that the Ottomans were imitating the administrative foundations of the Seljuks and Ilkhanids.<sup>1</sup> At about the same time the Ottoman writer Ahmed-i Daî was writing his *Teressül* (before 820/1417), the first guide to letter writing in the Turkish language. The next known manual is *Menahic'ül İnşâ* (before 820/1479).<sup>2</sup> Tursun Bey evidently learned to write in this *inşâ* style as a result of his employment in the Ottoman chancery. This chancery style, exemplified in the *inşâ* manuals, was one which Ottoman men of letters aspired to write "*hilye-i inşâ ile mütezeyyin bir sûret tasvîr ü takrîr idem*" and Tursun Bey's History is an early example of this genre.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> For detailed information on the origins of the Ottoman institutions, see İ. Hakkı Uzunçarşılı, *Osmanlı Devleti Teşkilatına Medhal*, 4<sup>th</sup> edn. (Ankara, 1988); M. Fuad Köprülü, *Bizans Müesseselerinin Osmanlı Müesseselerine Tesiri* (Istanbul, 1981).

<sup>2</sup> Yahya b. Mehmed el-Katib, *Menahic'ül İnşâ: The Earliest Ottoman Chancery Manual*, ed. Şinasi Tekin (Roxbury, MA, 1971), pp. 9-12.

<sup>3</sup> Tursun Bey, *Târîh-i Ebî'l-Feth*, ed. A. Mertol Tulum (Istanbul, 1977), p.7; H. İnalçık and R. Murphey, *The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey* (Chicago, 1978), p.20. For detailed information on objections to İnalçık and Murphey's study, see V.L. Ménage, "H. İnalçık and R. Murphey: The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey," *BSOAS* 43 (1980): 144-145.

105-118

MADE YAYINLANMIS  
SONRA GELEN DOKÜMAN



149478

İSTANBUL ÜNİVERSİTESİ  
550. YIL  
ULUSLARARASI BİZANS VE  
OSMANLI SEMPOZYUMU  
(XV. Yüzyıl)  
30-31 Mayıs 2003

550th ANNIVERSARY OF  
THE ISTANBUL UNIVERSITY  
INTERNATIONAL BYZANTINE AND  
OTTOMAN SYMPOSIUM  
(XVth Century)  
30-31 May 2003

Diyanet Vakfı İstisnalar Merkezi Kütüphanesi
149478
378.956
İST.Ü

Editor/Edited by  
Sümer Atasoy

İstanbul, 2004

Tursun Bey

## Fatih'in Tarihçisi Tursun Bey ve Tarih-i Ebü'l-Feth Üzerine Bazı Notlar

07 AĞU 2007

Kenan İNAN\*

14. yüzyıldan itibaren Osmanlı sarayında İlhanlı dönemi Anadolu ve İran'ın protokol, vergi ve devlet yönetimini bilen bir çok ilim adamının bulunduğu düşünülmektedir. Bu bilgiler İran'da kaleme alınmış birkaç eserde ifade edilmiştir. Bunların en güzel misallerinden biri Alaaddin Tebrîzî tarafından yaklaşık 1207 tarihinde yazılmış olan Farsça Saadetnâme'dir. Aşağı yukarı aynı zamanlarda (1417'den önce) Osmanlı yazarlarından Ahmed-i Daî eseri Teressül'ü kaleme almıştı. Bundan sonra bilinen bu tür kitaplara misal Menahic'ül İnşâ'dır (1479'dan önce).<sup>1</sup> Tursun Bey, inşâ tarzı ile yazmayı Osmanlı Devlet kademesinde aldığı vazifeler sayesinde öğrenmiş olmalıdır. İnşâ tarzı ile eser yazmak özellikle 15. Yüzyıldan itibaren Osmanlı ilim adamlarının tercih ettikleri bir üslup olup, "hilye-i inşâ ile mütezeyyin bir sûret tasvir ü tekrîr idem"<sup>2</sup> Tursun Bey'in eseri, bu tür eser yazıcılığını tarih alanında temsil eden erken örneklerden biridir.<sup>3</sup>

\* Doç. Dr. Kenan İnan, KTÜ, Fen-Edebiyat Fakültesi, Tarih Bölümü, Trabzon.

<sup>1</sup> Yahya bin Mehmed el-Katib, *Menâhicü'l-İnşâ: the Earliest Ottoman Chancery Manual*, ed. Şinasi Tekin, Roxbury, Mass., s. 9-12.

<sup>2</sup> M. Tulum, *Tursun Bey Tarih-i Ebü'l-Feth*, İstanbul, 1977, s.7.

<sup>3</sup> H. İnalçık & R. Murphey, *The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey*, Chicago, 1978, s. 20. İnalçık ve Murphey'in çalışmalarına yöneltilen eleştiriler hakkında bilgi için bakınız. V.L. Menage, "H. İnalçık and R. Murphey: The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey", (a review), BSOAS, XLIII, 1980, s.144-145.

145-158

TURSDUN BEG, HISTORIAN OF MEHMED THE CONQUEROR'S  
TIME

By Halil İnalçık, Chicago

Tursun Beg<sup>1</sup>, author of *Tārīkh-i Abu'l-Fath*<sup>2</sup>, left us the most detailed and important account of Mehmed the Conqueror's time. But, surprisingly enough, his work was not known to the most famous historians of the Ottoman empire except for Kemāl Pasha-zāde<sup>3</sup>; and very little is known about his family.

In the course of my research on the *cadi* records of Bursa I came across some interesting information on Tursun's life and family. These records occur between the dates *Djumādā* II, 889 (begins on June 26, 1484) and *Djumādā* I, 896 (begins on March 12, 1491). They show him as a partner in various legal transactions or as a witness at some important cases<sup>4</sup>.

<sup>1</sup> Our historian says (M. ÂRİF, edition p. 8) his name is originally *T'ar-Sinā*, a Qur'anic name distorted into *Tursun* meaning in Turkish, "let him survive". *Tursun*, a popular name extensively used in the period was evidently not liked by our author. Besides, a poet, Ḥayātī (Sehī, *Tedhkire*, Istanbul 1325 H., p. 70) made fun of him by referring to the original meaning of Tursun, which our author resented.

<sup>2</sup> MEHMED ÂRİF published it (as a supplement to *Tārīkh-i 'Osmānī Endjümeni Medjmū'asi*, Istanbul 1330 H.) using three manuscripts, two at the Topkapı Palace Library, Istanbul, Revan no. 1097 and Revan no. 1098 and one at the Aya Sofya Library (now at the Süleymaniye Library) no. 3032. In his edition M. ÂRİF relegated to the footnotes the best version, Aya Sofya MS, most probably the original copy presented to Bāyezīd II, bearing the seal of this Sultan. Two more copies are known of *Tārīkh-i Abu'l-Fath*: one at the Topkapı Palace Library, Hazine no. 1470 (see F. KARATAY, *Türkçe Yazmalar Kataloju*, vol. 1, Istanbul, 1961, p. 204); and the other at the national library of Vienna (see G. FLÜGEL, *Die Arabischen, Persischen und Türkischen Handschriften . . .*, II, p. 207, MS no. 1984). Mr. RHOADS MURPHEY and I are preparing a new edition of the work with a translation into English.

<sup>3</sup> See H. İNALCIK, "Mehmed the Conqueror and His Time", in *Speculum*, Vol. XXXV, 1960, p. 408—27. A passage from Tursun Beg was quoted in a *Medjmū'a* (Köprülü Library, Istanbul, no. 1596, p. 363).

<sup>4</sup> These records are to be found in the *sidjill* no. A 4/4: 6b, 135b, 147b, 304a; no. A 5/5: 341a; no. A 8/8: 62a, 79b. According to these records Tursun

WZKM, LXIX (WIEN-1977), s. 55-71.

25 ARALIK 1992

YAZARIN ADRESİ  
YAZARIN İSİMİ

19 OCAK 1994

Dergi / Kitap  
Kütüphane Mecmuası

Halil İnalcık  
The Middle East and the Balkans  
under the Ottoman Empire Essays  
on Economy and Society, Bloomington,  
1993, s.417-431. DN: 23636.

## Tursun Beg, Historian of Mehmed the Conqueror's Time

TUR SUN BEG,<sup>1</sup> author of *Tārīkh-i Abu'l-Fath*,<sup>2</sup> left us the most detailed and important account of Mehmed the Conqueror's time. But, surprisingly enough, his work was not known to the most famous historians of the Ottoman Empire except for Kemāl Pasha-zāde;<sup>3</sup> and very little is known about his family.

In the course of my research on the *cadi* records of Bursa, I came across some interesting information on Tursun's life and family. These records occur between the dates *Djumādā* II, 889 (begins on June 26, 1484) and *Djumādā* I, 896 (begins on March 12, 1491). They show him as a partner in various legal transactions or as a witness at some important cases.<sup>4</sup>

Tursun Beg's name is given in these records as, "Tursun Beg ibn Ḥamza Beg,"<sup>5</sup> and also as "Mawlānā Tursun Beg ibn Ḥamza Beg."<sup>6</sup> In his *Tārīkh*, Tursun mentioned *Djübbe* °Alī Beg, governor of Bursa, as his uncle<sup>7</sup> but never cited his father's name. However, we know that Firüz Beg was the father of Ḥamza Beg and °Alī Beg, Governor of Iznik in 1422.<sup>8</sup> Thus it becomes clear why Tursun, as a member of a family which played a critically important role in Ottoman history between the years 1380-1480, was entrusted, under Mehmed the Conqueror, with the most important and delicate missions—as related in his history.

Firüz Beg was one of the outstanding commanders under Murād I. As the sandjak-beg of Ankara he took part in the battle of Konya against °Alā al-Dīn the Karamanid in 1387, and in the battle of Kosovo-Polje in 1389.<sup>9</sup> Under Bāyezīd I he was moved to the governorship of Antalya.<sup>10</sup> Ankara was then given to his son Ya'küb Beg who distinguished himself by his defense against Timur in 1402<sup>11</sup> and who later played a dubious part in the struggle between Mehmed I and his brother Süleymān. An official record in the Ankara survey book<sup>12</sup> of 867H/(begins 26. IX. 1462) proves that he had recognized

only striking difference, in certain specialists' opinion, was the exemption from *cizye* payment,<sup>124</sup> for inhabitants of the three principalities north of the Danube, the ambiguity between *müste'min* and *zimmi* was stressed by the attribute "intermediary" which generally characterized the *haracgüzar* status. Consequently, the *zimmi* position for the tributary principalities was situated at the limit between the usual status of *zimmi* and that of *müste'min*.

To summarize briefly, in the fifteenth and early sixteenth centuries the Wallachians and Moldavians' condition outside their countries was closer to the status of foreigners (*müste'min*), had beginning with Süleyman Kanunî's reign (1520-1566), the legal position of the Wallachians, Moldavians and Transylvanians grew closer to that of ordinary *zimmis*. As were the other tributaries of Southeastern Europe, the Ragusans,<sup>125</sup> or the inhabitants of the islands Naxos,<sup>126</sup> Chios and Andros,<sup>127</sup> they now were allowed to circulate freely; to be protected in their life, liberty and goods; to inherit the goods of relatives; to pay smaller customs duties; and to buy freely wares prohibited to the *müste'min* merchants.<sup>128</sup>

*Institute of South-East European Studies of the Romanian Academy  
University of Bucharest*

"The English Capitulation of 1580. A Review Article," *International Journal of Middle East Studies* (1980): 378.

<sup>124</sup> Skilliter, pp. 1-2; Tarazi, p. 389.

<sup>125</sup> The *'ahdnâme* of 1575 (Biegman, *Ragusa*, 48-59); *Dubrovnik Ahkâm Defteri*, 1013-1028/1604-1618 (Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), *Düvel-i Ecnebiye Defterleri*, p. 13).

<sup>126</sup> The 1564 and 1565 *'ahdnâmes* which came to establish the status of the Naxos island and of its dependent islands, Santorin and Paros, towards the Porte. See I.H. Uzunçarşılı, *Osmanlı Tarihi*, vol. 3 (Ankara, 1947-1959), pp. 2, 102-3; Safvet, "Nakşe Dukalığı, Kiklâd Adaları," *Tarih-i Osmanî Encümeni Mecmuası* 4 (1329): 1446-8.

<sup>127</sup> The *'ahdnâme* granted to the Andros island in 946/1539, it was just one piece of a series of "lettres de privilège du sultan" by which the status of the Cycladic islands was regulated in the first half of the sixteenth century. See R. Saulger, *Histoire nouvelle des anciens ducs et autres souverains de l'Archipel* (Paris, 1698), 349-51, cf. B.J. Slot, *Archipelagus Turbatus. Les Cyclades entre colonisation latine et occupation ottomane. c.1500-1718*, vol. 2 (Istanbul, 1982), pp. 76-7.

<sup>128</sup> All these rights in relation to commercial activities characterized in part the *zimmi* status of Ragusan tribute-payers (Biegman, *Ragusa*, 69-73). For more on the subject of this study, in general, see also: Viorel Panaite, *The Ottoman Law of War and Peace. The Ottoman Empire and Tribute Payers* (New York, 2000), pp. 406-45; Viorel Panaite, *Limbajul politico-juridic în Islamul otoman. Dictionar de termeni si expresii. I. Razboiul, pacea, comertul* (Bucureşti, 1998); Viorel Panaite, *Pacea, razboi si comert în Islam. Tarile române si dreptul otoman al popoarelor. Secolele XV-XVII* (Bucuresti, 1997), pp. 395-408; Viorel Panaite, "The Status of the *Kharâj-gizarlar*. A Case Study: Wallachians, Moldavians and Transylvanians in the 15th to 17th Centuries," in *The Great Ottoman-Turkish Civilisation*, vol. 1, ed. Kemal Çiçek (Ankara, 2000), pp. 227-38.

Kenan İnan

THE INCORPORATION OF WRITINGS ON  
PERIPHERY IN OTTOMAN HISTORIOGRAPHY:  
TURSUN BEY'S COMPARISON OF  
MEHMED II AND BAYEZID II

*Introduction*

The Ottomans in the fourteenth century must have had in their palace many learned men who were well acquainted with the protocol, chancery practice, and taxation systems of the Mongol period in Islamic Iran and Anatolia. This was formulated in several Persian manuals. A good example is the famous Persian *Saadetnâme* written around 707/1207 by Alaaddin Tebrîzî, showing the governmental and fiscal arrangement of the Ilkhanids, and available in a copy completed in Bursa in 815/1412-13. It is clear from the early date of this guide that the Ottomans were imitating the administrative foundations of the Seljuks and Ilkhanids.<sup>1</sup> At about the same time the Ottoman writer Ahmed-i Daî was writing his *Teressül* (before 820/1417), the first guide to letter writing in the Turkish language. The next known manual is *Menahic'ül İnşâ* (before 820/1479).<sup>2</sup> Tursun Bey evidently learned to write in this *inşâ* style as a result of his employment in the Ottoman chancery. This chancery style, exemplified in the *inşâ* manuals, was one which Ottoman men of letters aspired to write "*hilye-i inşâ ile mütezeyyin bir sûret tasvîr ü takrîr idem*" and Tursun Bey's History is an early example of this genre.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> For detailed information on the origins of the Ottoman institutions, see İ. Hakkı Uzunçarşılı, *Osmanlı Devleti Teşkilatına Medhal*, 4<sup>th</sup> edn. (Ankara, 1988); M. Fuad Köprülü, *Bizans Müesseselerinin Osmanlı Müesseselerine Tesiri* (İstanbul, 1981).

<sup>2</sup> Yahya b. Mehmed el-Katib, *Menahic'ül-İnşâ: The Earliest Ottoman Chancery Manual*, ed. Şinasi Tekin (Roxbury, MA, 1971), pp. 9-12.

<sup>3</sup> Tursun' Bey, *Târîh-i Ebû'l-Feth*, ed. A. Mertol Tulum (İstanbul, 1977), p.7; H. İnalçık and R. Murphey, *The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey* (Chicago, 1978), p.20. For detailed information on objections to İnalçık and Murphey's study, see V.L. Ménage, "H. İnalçık and R. Murphey: The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey," *BSOAS* 43 (1980): 144-145.





Brecht; "Kim yaptı Babil'in asma bahçelerini" diye sorar ünlü şiirinde. Biz de dosyamızda "kim yaptı Anadolu'nun dününü-bugününü" diye soruyoruz.

Bu sayımızda "sıradan", "günlük hayatlar"ı izleyerek Muğla'nın Musevisinden, Tokat'ın Ermenisine, Karadeniz kıyılarının Gürcülerinden Orta Anadolu'nun Türklerine kadar dolaşıp çoğunluğu Osmanlı'nın son döneminde doğmuş, Cumhuriyet dönemini idrak etmiş dedelerin, ninelerin yaşam öyküleriyle oluşuyor biyografi dosyamız. Üstelik politika, edebiyat, bilim alanlarında meşhur olanlarla değil, bu alanların hiç birine neredeyse hiç bir katkısı olmayan sıradan insanların hikayeleri ile. Doğrudur, genel anlamı ile "tarihin sınıf savaşmalarının hikayesi" olduğu doğrudur ama, bu hikayenin nasıl yönlendiği, nasıl geliştiği -ya da ne denli önemsendiği de - önemlidir. Brecht, Sezar'ın değil, aşçısının yaşam öyküsünün yazılması gerektiğini söylediğinde, o aşçının 'Sezar'a taptığı' hatırlatılmıştı kendisine. Ama biz, Sezar'ı Sezar yapan aşçının da bilinmesi gerektiğinde ısrarlıyız. Dosyamızdaki "meçhul şahıslar"ın neredeyse tümü o klasik "sınıf savaşımından uzak", bütün amaçları günlük hayatlarını sürdürmeyi amaçlayan sıradan kişilerdir. Bu da bize Anadolu'yu nasıl "tahlil" etmemiz gerektiğinin ip uçlarını vermektedir.

Dosya dışında da önemli makalelerimiz var. "Girit'te Cemaatler Arası Evlilikler"i Nuri Adıyke, "Fatih'in Tarihçisi Tursun Bey ve Tarih-i Ebü'l-feth Üzerine Bazı Notlar"ı Kenan İnan yazdı. Çeşitli dergi tanıtım ve bibliyografyalarını yayınlamayı da sürdürüyoruz. *Güneş Mecmûası* Kahraman Bostancı, *Edebiyyât-ı Urûmîyye Mecmûası* Selim Aslantaş tarafından hazırlandı. Osmanlı ülkesindeki Farsça süreli yayınlarla ilgili, basın tarihimizin üstünde az durulmuş bir yönünü Nuran Tezcan'ın çevirisiyle Anja Pistor-Hatam anlatıyor. E. Lâle Demirtürk Afrika Kökenli Amerikan Edebiyatında 'Büyük Göç' Romanını inceliyor. Stephen Jay Gould'un ölümü üzerine Richard C. Lewontin ve Richard Levins'in kaleme aldıkları yazı, bilimsellik-popülerlik irdemesi ve radikalliğin anlamı üzerine bir tartışma olduğu için önemli. Nuran Tezcan, Klaus Kreiser'in *Istanbul, ein historisch-literarisches Stadtführer* (İstanbul, tarihsel-yazınsal bir şehir kılavuzu) adlı kitabını tanıtıyor. Araştırmacılar için kaynak oluşturacak Eftal Ş. Batmaz'ın Rusya devlet arşivleriyle ilgili tanıtım yazısı ve Uygur Kocabaşoğlu'nun 19. yüzyıl Britanya süreli yayınlarında Osmanlılar ve Türklerle ilgili yazıları tanıttığı dizileri devam ediyor.

Dimitris Loupis'in geçen sayımızda yayınlanan "Piri Reis'i Yok Sayan Bir Osmanlı Portolan Metni" başlıklı yazısını, yanlışlıklarının çokluğu nedeniyle, yazarından ve okuyucularımızdan özür dileyerek, bu sayımızda tekrar yayınlıyoruz.

Gelecek sayımızın dosya konusu Anadolu'nun nebatat ve hayvanatı olacak. Ekonomi tarihi olarak anlaşılan konuların, üreticisi ve tüketicisinden önce nesnesi olması gereken bitki ve hayvanların tarihine bir yaklaşım sağlamak, 'verili durum'u ve biçimlenişini ortaya koyması gereken Anadolu'nun biyoloji tarihine ilişkin bir esinti oluşturmak amacımız.

18. sayımızın dosya konusunu ise Türkler ve Arap dünyası olarak belirledik. İlgilenen yazar ve okuyucularımıza duyururuz.

Saygılarımızla.

Kudret Emiroğlu

D1283



## Fatih'in Tarihçisi Tursun Bey ve Tarih-i Ebü'l-Feth Üzerine Bazı Notlar

Kenan İNAN\*



14. yüzyıldan itibaren Osmanlı sarayında İlhanlı dönemi Anadolu ve İran'ının protokol, vergi ve devlet yönetimini bilen bir çok ilim adamının bulunduğu düşünülmektedir. Bu bilgiler İran'da kaleme alınmış bir kaç eserde ifade edilmiştir. Bunların en güzel örneklerinden biri Alaaddin Tebrîzî tarafından yaklaşık 1207 tarihinde yazılmış olan Farsça *Saadetnâme*'dir. Aşağı yukarı aynı zamanlarda (1417'den önce) Osmanlı yazarlarından Ahmed-i Daî eseri *Terâzü'l* kaleme almıştı. Bundan sonra bilinen bu tür kitaplara örnek 1479'dan evvel kaleme alınmış olan *Menâhic'ül İnşâ*'dır (Tekin, 1971: 9-12). Tursun Bey, inşâ tarzı ile yazmayı Osmanlı Devlet kademesinde aldığı vazifeler sayesinde öğrenmiş olmalıdır. Bu tarz eser yazmak özellikle 15. yüzyıldan itibaren Osmanlı ilim adamlarının tercih ettikleri bir üslup idi: "*bihye-i inşâ ile milteteyyin bir sâret tasvîr ü takerir idem*" (Tulum, 1977: 7). Tursun Bey'in eseri, bu tür eser yazıcılığını tarih alanında temsil eden ilk örneklerden biridir (İnalçık & Murphey, 1978: 20).<sup>1</sup>

Tursun Bey'in<sup>2</sup> *Tarih-i Ebü'l-Feth*'i<sup>3</sup> eserin kapsadığı zaman zarfındaki olayları

\* K'Ü, İen-Edebiyat Fakültesi, Tarih Bölümü Öğretim Üyesi.

- 1 İnalçık ve Murphey'in çalışmalarına yöneltilen eleştiriler hakkında bilgi için bkz. Menage (1980).
- 2 Tursun Bey'in hayatı hakkında tafsilatlı bilgi için bkz. II. İnalçık, (1977). Tarihçi ismini T'ür-ı Sînâ olarak verdikten sonra, kendisine verilmiş Tursun Bey lakabı ile tanıdığını söylemektedir (Tulum, 1977: 5). Şehî Bey Tezkire'sinde Tursun Bey'in ismi ile ilgili olarak verdiği bilgide şair Hayatî'nin Tursun Bey'e dair yazdığı bir beyitten dolayı öldürüldüğünü söylemektedir (M. Şikrî, 1325: 69).
- 3 Tursun Bey'in *Tarih-i Ebü'l-Feth*'inin altı adet yazması bulunmaktadır. Bu yazmalardan Ayasofya Kütüphanesi no. 3032, II. Bâyezid'in damgasını taşımakta olup bu nedenle hemen hemen kesin bir şekilde II. Bayezid'e sunulmak için kaleme alınmış yazmadır. Bahsedilen yazmalar hakkında tafsilatlı



## SADE NESİRDEN SÜSLÜ NESİRE: FATİH'İN TARİHÇİSİ TURSUN BEY VE TARİH YAZMA TARZI

-Tursun Bey

YRD. DOÇ. DR. KENAN İNAN  
KARADENİZ TEKNİK ÜNİVERSİTESİ FEN-EDERİYAT FAKÜLTESİ

14. yüzyıldan itibaren Osmanlı sarayında İlim hanlı dönemi Anadolu ve İran'ın protokol, vergi ve devlet yönetimini bilen bir çok ilim adamının bulunduğu düşünülmektedir. Bu bilgiler İran'da kaleme alınmış birkaç eserde ifade edilmiştir. Bunların en güzel misallerinden biri Alaaddin Tebrîzî tarafından yaklaşık 1207 tarihinde yazılmış olan Farsça Saadetnâme'dir. Aşağı yukarı aynı zamanlarda (1417'den önce) Osmanlı yazarlarından Ahmed-i Daî eseri Teresül'ü kaleme almıştı. Bundan sonra bilinen bu tür kitaplara misal Menahic'ül İnşâ'dır (1479'dan önce).<sup>1</sup> Tursun Bey, inşâ tarzı ile yazmayı Osmanlı Devlet kademesinde aldığı vazifeler sayesinde öğrenmiş olmalıdır. İnşâ tarzı ile eser yazmak özellikle 15. Yüzyıldan itibaren Osmanlı ilim adamlarının tercih ettikleri bir üslup olup, "hilye-i inşâ ile mütezeyyin bir sûret tasvîr ü takrîr idem" Tursun Bey'in eseri, bu tür eser yazıcılığını tarih alanında temsil eden erken örneklerden biridir.<sup>2</sup>

Tursun Bey'in<sup>3</sup> *Tarih-i Ebî'l-Fetb'i*<sup>4</sup> eserin kapsadığı zaman zarfındaki hadiseleri sistematik olarak anlatan bir kronik değildir. Eser, bundan ziyade II. Mehmet<sup>5</sup> ve it-haf edildiği II. Bayezid<sup>6</sup> hakkında bir methiye özelliği taşımaktadır. Bu tür tarih yazıcılığının kökleri Cüveynî'nin *Tarih-i Cihangüşha'sına* kadar gitmekte olup, Tursun Bey'in eseri bu türün Türkçe'deki ilk örneğini teşkil etmektedir. Eserin giriş kısmını siyasetnâme literatürü içerisinde mütalaa etmek mümkündür. Bu kısımda Tursun Bey, zamanının padişahına yöneticilik hususunda öğütler vermektedir.<sup>7</sup>

Eserinin giriş kısmında Tursun Bey, Nasırüddin Tusi'den<sup>8</sup> yaptığı uzun bir alıntıyı biraz da değiştirerek

toplumların sultana olan ihtiyaçlarını ve bir sultanın sahip olması gereken ahlaki değerleri "Güftâr der zikr-i ihtiyâc-ı halk be-vücûd-ı şerif-i pâdişâh-ı zıllullah"<sup>9</sup> başlığı altında belirtir. Buradan hareketle bir toplumun varlığının insanlar arasında kusursuzluk açısından en yüksek seviyeye ulaşmış olan sultanın varlığına bağlı olduğu tezini ortaya atar. Bu tartışma ile Tursun Bey II. Bayezid yönetimini meşru gösterme çabası içindedir.

Tursun Bey'in eserinin giriş kısmında yer verdiği diğer bir görüş de sultanın yönetimdeki etkinliği yani siyasettir. Tursun Bey'e göre yalnızca bu toplumdaki düzensizliği önleyebilir. Bu tartışma bir yandan sultanın üstünlüğünü dile getirirken bir yandan da II. Bayezid'in nezareti altında gündeme gelen örfi kanunlara atıfta bulunmaktadır. Bu tartışmada Tursun Bey'e göre şeriat hükümleri siyaset-i ilahi, sultanın yönetimi de siyaset-i sultani olarak adlandırılmaktadır. Sultanların ilahi yetkilerle sahip oldukları çeşitli misallerle desteklenerek II. Bayezid'in örfi kanunlar yapması haklı gösterilmeye çalışılmaktadır. Tursun Bey giriş kısmının ikinci bölümünde zamanının sultanına hikmet sahibi insanların dilinden tavsiyelerde bulunmaktadır. Bu maksatla seçtiği insanlardan biri 12 yıl müddetle hizmet ettiği Mahmut Paşadır.<sup>10</sup>

Eserin giriş kısmında siyasetname literatürü özelliklerine ek olarak bir de kitabın yazılış sebebinden bahsedilmekte ve Tursun Bey eseri II. Bayezid'den gördüğü ihsanların karşılığında yazdığını söylemektedir. "... ve anı dahı, bi'l-fi'l ihsânın gördüğümüz ve vazîfe ve idrârın yidüğümüz pâdişahumuz sultân-ı selâtin-i zamân Sultân Bâyezid bin Mehemmed Hân ....Hazretinin cü-

THE INCORPORATION OF WRITINGS ON  
PERIPHERY IN OTTOMAN HISTORIOGRAPHY:  
TURSUN BEY'S COMPARISON OF  
MEHMED II AND BAYEZID II

*Introduction*

The Ottomans in the fourteenth century must have had in their palace many learned men who were well acquainted with the protocol, chancery practice, and taxation systems of the Mongol period in Islamic Iran and Anatolia. This was formulated in several Persian manuals. A good example is the famous Persian *Saadetnâme* written around 707/1207 by Alaaddin Tebrîzî, showing the governmental and fiscal arrangement of the Ilkhanids, and available in a copy completed in Bursa in 815/1412-13. It is clear from the early date of this guide that the Ottomans were imitating the administrative foundations of the Seljuks and Ilkhanids.<sup>1</sup> At about the same time the Ottoman writer Ahmed-i Daî was writing his *Teressül* (before 820/1417), the first guide to letter writing in the Turkish language. The next known manual is *Menahic'ül İnşâ* (before 820/1479).<sup>2</sup> Tursun Bey evidently learned to write in this *inşâ* style as a result of his employment in the Ottoman chancery. This chancery style, exemplified in the *inşâ* manuals, was one which Ottoman men of letters aspired to write "*hilye-i inşâ ile mütezeyyin bir sûret tasvîr ü takrîr idem*" and Tursun Bey's History is an early example of this genre.<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> For detailed information on the origins of the Ottoman institutions, see İ. Hakkı Uzunçarşılı, *Osmanlı Devleti Teşkilatına Medhal*, 4<sup>th</sup> edn. (Ankara, 1988); M. Fuad Köprülü, *Bizans Müesseselerinin Osmanlı Müesseselerine Tesiri* (İstanbul, 1981).

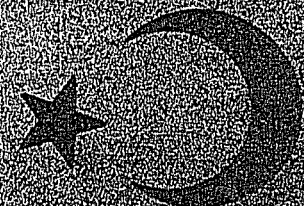
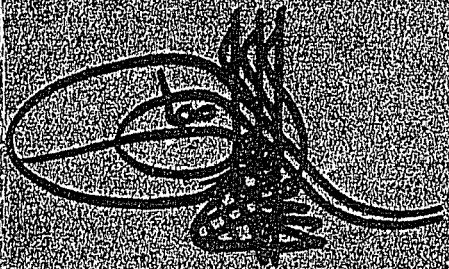
<sup>2</sup> Yahya b. Mehmed el-Katib, *Menahicü'l-İnşâ: The Earliest Ottoman Chancery Manual*, ed. Şinasi Tekin (Roxbury, MA, 1971), pp. 9-12.

<sup>3</sup> Tursun Bey, *Târîh-i Ebü'l-Feth*, ed. A. Mertol Tulum (İstanbul, 1977), p.7; H. İnalçık and R. Murphey; *The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey* (Chicago, 1978), p.20. For detailed information on objections to İnalçık and Murphey's study, see V.L. Ménage, "H. İnalçık and R. Murphey: The History of Mehmed the Conqueror by Tursun Bey," *BSOAS* 43 (1980): 144-145.

Summer 2003

Volume 9, Nos. 1 & 2

# International Journal of Turkish Studies



## TABLE OF CONTENTS

<i>Kemal H. Karpat: Comments on Contributions and the Borderlands</i>	1
<i>Gábor Ágoston: A Flexible Empire: Authority and its Limits on the Ottoman Frontiers</i>	15
<i>Nagy Piennari: The Black Sea and the Ottomans: The Pontic Policy of Bayezid the Thunderbolt</i>	33
<i>Viorel Panaite: The Voivodes of the Danubian Principalities-As Harâc-güzarlar of the Ottoman Sultans</i>	59
<i>Viorel Panaite: The Re'ayas of Tributary-Protected Principalities (The Sixteenth through Eighteenth Centuries)</i>	79
<i>Kenan İnan: The Incorporation of Writings on Periphery in Ottoman Historiography: Tursun Bey's Comparison of Mehmed II and Bayezid II</i>	105
<i>Tom Sinclair: The Ottoman Arrangements for the Tribal Principalities of the Lake Van Region of the Sixteenth Century</i>	119
<i>Mehmet Öz: Ottoman Provincial Administration in Eastern and Southeastern Anatolia: The Case of Bidlis in the Sixteenth Century</i>	145
<i>Rudi Matthee: The Safavid-Ottoman Frontier: Iraq-i Arab as Seen by the Safavids</i>	157
<i>Şevket Pamuk: The Ottoman Monetary System and Frontier Territories in Europe, 1500-1700</i>	175
<i>Ahmet Yaşar Ocak: Islam in the Ottoman Empire: A Sociological Framework for a New Interpretation</i>	183
<i>Armand Gosu: The Third Anti-Napoleonic Coalition and the Sublime Porte</i>	199
<i>Maurus Reinkowski: Double Struggle, No Income: Ottoman Borderlands in Northern Albania</i>	239
<i>Isa Blumi: Thwarting the Ottoman Empire: Smuggling through the Empire's New Frontiers in Yemen and Albania, 1878-1910</i>	255
<i>Erik-Jan Zürcher: The Young Turks – Children of the Borderlands?</i>	275

*Mitat Çelikpala: The North Caucasian Émigrés Between the Two World Wars* 287

## REVIEWS

Kemal H. Karpat, *The Politicization of Islam: Reconstructing Identity, State, Faith and Community in the Late Ottoman State* (Carter V. Findley) 315

Kemal Gözler, *Les Villages Pomaks de Lofça aux XV<sup>e</sup> et XVI<sup>e</sup> Siècles d'Après Les Tahrir Defters Ottomans* (Kaan Durukan) 318

Bruce Masters, *The Christians and Jews in the Ottoman Arab World: The Roots of Sectarianism* (Najwa al-Qattan) 321

Walter Andrews, ed., *Intersections in Turkish Literature: Essays in Honor of James Stewart-Robinson* (Victoria Holbrook) 326

Dietrich Jung with Wolfango Piccoli, *Turkey at the Crossroads: Ottoman Legacies and a Greater Middle East* (Erik-Jan Zürcher) 328

Kemal H. Karpat, ed., *Ottoman Past and Today's Turkey* (Kaan Durukan) 331

Brian Glyn Williams, *The Crimean Tatars: The Diaspora Experience and the Forging of a Nation* (Azade-Ayşe Rorlich) 334

Hülya Küçük, *The Role of the Bektashis in Turkey's National Struggle* (Recep Boztemur) 338

Jenny White, *Islamist Mobilization in Turkey: A Study in Vernacular Politics* (Birol Yeşilada) 343

Bibliography 347

## Map

The Sub-Province of Bitlis (1540) 144

Tursun Bey

Annual BRISME S Conference 25-26 Kasım 2004  
istanbul

Kenan İnan

## A Historiographer's Approach to the History Makers: Tursun Bey's Comparison of Mehmed the Conqueror and Bayezid II

The Ottomans in the fourteenth century must have had in their palace many learned men who were well acquainted with the protocol, chancery practice, and taxation systems of the Mongol period in Islamic Iran and Anatolia. This was formulated in several manuals written in Persia. A good example is the famous Persian Saadetnâme written around 707/1207 by Alaaddin Tebrîzî, showing the governmental and fiscal arrangement of the Ilkhanids, and available in a copy completed in Bursa in 815/1412-13. It is clear from the early date of this guide that the Ottomans were imitating the administrative foundations of the Seljuk and Ilkhanids. At about the same time The Ottoman writer Ahmed-i Daî was writing his Teressül (before 820/1417), the first guide to letter writing in the Turkish language. The next known manual is Menahic'ül İnşâ (before 820/1479).<sup>1</sup> Tursun Bey evidently learned to write in this inşâ style as a result of his employment in the Ottoman chancery. This chancery style, exemplified in the inşâ manuals, was one which Ottoman men of letters aspired to write "hilye-i inşâ ile mütezeyyin bir sûret tasvîr ü takrîr idem" and Tursun Bey's History is an early example of this genre.<sup>2</sup>

The Târîh-i Ebü'l-Feth<sup>3</sup> of Tursun Bey<sup>4</sup> is not a systematic chronicle of events but essentially a panegyric on the reigns of Mehmed II<sup>5</sup> and of its dedicatee Bâyezid II.<sup>6</sup> It belongs to a genre of history writing with a literary pedigree that goes back to Cüveynî's History of the World Conqueror (Târîh-i Cihângüşâ) and is the first example of this type in Turkish. The Introduction can be placed in the tradition of 'Mirrors for Princes' literature, in which an imperial servant- in our case Tursun Bey- offers advice on rulership to the reigning Sultan.<sup>7</sup>

The main section of the History conforms to its Persian models in that for Tursun the events which he describes are usually exemplary, or occasions for eulogising the Sultan, hence his tendency to omit or gloss over events which, to the modern mind, might seem important, and to emphasise incidents which might appear trivial. For example, the most prominent incident in his account of the first Karaman Campaign is Mehmed's refusal to accede to the demands of the Janissaries. He evidently selected this incident because it was exemplary: an instance of the Sultanic siyaset<sup>8</sup> necessary for the preservation of order. In other places, he highlights events- notably the defeat of the Moldavians in the Campaign of 1462<sup>9</sup> because they are exemplary illustrations of divine interventions in human affairs.

The most prominent element is panegyric. The specific models, which Tursun seems to have had in mind, were the panegyric histories of Timur.<sup>10</sup> This emerges not simply from the literary style, which emulates Nizamüddin Şami and Şerafüddin Yazdi, but also Tursun's direct reference to Şerafüddin Yazdi,<sup>11</sup> and from his comment in his section on the